

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مطبع دار الفنون
در زمانه آقا میرزا محمد تقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لم صبغ قلوب المومنين بصبغه والصلوة على رسول الذي برق
 افتداه المسلمين بلوامع هدايته وعلى ولاده ووصيه الكرام العظماء ابد البدا
 بدائكم ابن سنان است در رنگ کردن ثياب از عبد اعظم نصر المدحان خليل
 الاحمدى الخورجوى رحمه الله القوسى كه برائى هيل كار غراب حج آورد و اين علمى است
 كه از ابل سلف تا مختلف كتابى الى يومنا هذا درين باب ويده نشده الله القدير بحق برگزيدهگان
 خود اين كتاب شسته را مقبول نظر خاصان خویش گردانند و داعى براى ثواب سازند اين ناشر
 منور الضياء علمى كه دم تا بهر عامل اكن در رنگ کردن نمولى يا بدو سر كار گر نصيب بجايم
 شتابد و الله ولى التوفيق صبغة الله و من احسن من الله صبغة و نحن
 عايدون و فضل اول در رنگ کردن پارچه سياه و نيل همچو رومال باران اباد است
 كه هم عامه است و هم جاهل و رضى الله عنهم و رضوانه مسئله در طحاوى است
 قوله نذاب لبس السواد حبة او عمامة او حذاء الحديث يدل عليه كراهة في السواد

طریق رنگ کردن او آنست که یک سیر تخم پنجه اگر در در بند می بکوبند نیز میگویند بخانه فرنگ
 بریان کنند و او را دال کرده و دو پارو نموده بایک سیر نیل خالص در شمع یا نازک که ما شمع باشد
 انداخته در آب که بران بگذرد و تر نماید و صبح و شام و نیم روز بچوب تروبالا کرده و با شمع
 تا آنکه خمیر او درست شود و غنوت دهد و چون خمیرش درست شود آن زمان پارچه را رنگ کند
 که پنجه خوابد شد و دیگر چونه قلعی نیم آن را و نیل خالص یک سیر و شیر و قند سیاه و نیم سیر و آهسته
 در ما شمع انداخته قدری آب بگذارد و هر سه اوقات مذکوره بچوب حرکت داد و باشد
 که زرد و خمیر ملینار خواهد شد و اگر موسم یا تلک سیر و باشد بگرد ما شمع چونه آتش افروز که
 بگرمی آن زرد و خمیر آید در آن رنگ پارچه کند اگر پارچه را بعد خشک شدن در شیر گاو تازه
 غرق کند یا در آب جوش انداخته تر کند بچوب تر گردد و فصل دوم در بیان رنگ زرد کردن
 از حافظ یعقوب خان صاحب آفریدی خورشیدی بیار و دو کز پارچه را در زرد چوب که خوب
 ساینده باشند رنگ دهد و افشرد و خشک کند بعد در آب بچوب بکوبد و سفید ساینده آهسته
 پارچه را در آن شوب دهد و خشک کند باز چنان صاف از آن سیر و نیم سیر و آب سیر
 جوشانیده صاف نموده پارچه مذکور را در آن شوب کرده باز خشک کند و بکند می ساند
 از عالمی سه بانی از رنگ زرد و نشا و نهان من + چون زعفران کیست بهار و خزان من +
 و دیگر رنگ زرد که بدست خط حاجی امین الدین صاحب کاکوری قدس سره یافتیم گل هار سنگار
 همیشه ناسپال مجید را عللده جوشن نماید و گل مذکور و ناسپال را یک جا جوش کرده
 و قتی که نیم آن را رنگ بماند اول از بچوب بکوبد و پارچه تر کرده بعد از آن وقتیکه خشک شود
 دو بار در میان رنگ مذکور که هر دو را یک جا کرده رنگ نماید این بود تقریر حاجی صاحب
 مسئله طحطاوی است و اما الاصفه مغرب الزعفران فارسی است
 فیه یعنی در پارچه زرد که بغیر زعفران رنگش زرد کرده باشند که است نیست فصل سوم
 در بیان رنگ انبوه زرد چوب ناسپال کت آب زرد اول زرد چوب را در

در آب سائیده و دوازده درع پارچه را رنگین سازد و بآب انگ صاف کرده خشک کرد و سنگ ناسپال
 که خوش داده گرفته باشند رنگت بد و آب آنرا انگا دارد بعد از این گشت بد بعد همان آب ناسپال را
 باز هم که دشته بود پیش خشک کرد و از آب اباریک سائیده و آب تو به بد و آب انگا و بد بد
 بنهر انبوه خواهد شد و یک رنگ بنهر انبوه و دوازده درع پارچه را زرد و خوب بنج فلوس ناسپال با دانه
 گیر و بوزن نیم فلوس یک بوزن دو و فلوس اول زرد و خوب بد و صاف کند بعد از این ناسپال را
 خوش داده صاف کرده رنگت بد و آب ناسپال انگا دارد و بعد از این گیر و بد بعد همان آب
 ناسپال که دشته بود بعد از این یک آب نو بد بد بعد از این آب انگا و بد و بنهر انبوه خواهد شد
 و یک رنگ ناسپال مجبثه برابر هر دو را جدا جدا بچوشانند و بشکری می آید و خشک نموده آب بد و صاف
 با هم آمیخته رنگ کند و یک رنگ انبوه شمشیری بسیار و خوب بنجته که مثل که رنگ سرخ باشد یک پاؤ دان
 پاره پاره کرده و آفتاب اندکی خشک کند پس آنرا در آب چهار تا پنج شمع پوئلی گل معصنه و گل نارنگها
 و گل شبنم که هر یک دو و دو توله در پارچه بسته باشند بچوشانند هر گاه که خوب بچوشد از آتش فیه و آورد
 سر کند و دو گز پارچه را اول در یک توله شنجف که خوب در آب با محتاج سائیده باشند رنگین سازد
 و خشک نماید بعد در آب جو شانده صاف کرده رنگین نماید و خشک کرده با استعمال آرد
 از لاله دبی پر شد و صاحب کالیست سری با سبب توطن قصبه بسوان ضلع سیتاپور و یک
 از لاله صاحب مدح است ناسپال مجبثه مساوی وزن هر دو را جو کو ب نموده شب در آب
 که بقدر رنگ باشد تر نماید بچین خوشم پس صاف نموده نگا دارد و اول بشکری خوب باریک
 ساخته در آب حل کند و جامه ادران آب تر کرده خشک نماید بعد در آب مطبخ نصفی غوطه دهد
 که رنگ انبوه بنهر خواهد شد و اگر بعد از شوب در آب نیل غوطه داده و در آب مطبخ غوطه دهد مرغی آید
فصل چهارم در رنگ طلوسی بلی بول نیم آنرا مجبثه پاؤ آنرا کسین یکدام بشکری و دو دام
 بلسلی مجبثه را اول جو کو ب نموده شب در آب تر کرده و بچین خوشم بد و آب آنقدر باشد که در تیر
 رنگ توان کرد و اول پارچه را در آب صاف بشکری شوب آید و خشک نموده و نیمه اول آن

رنگ مذکور رنگ کنند و در نصف رنگ باقی مرتبه دوم کسب سائیده داخل نموده رنگ کنند
و بافتی لطیفست هر قدر که خواهند کیار باد و بار غوطه دهند باز باده رنگ طوسی مستم اول خواهد شد
بعش نیم پاؤ نمیشد نیم پاؤ قرم قیلان کسب پنجم همه را جوش کرده رنگ سیدهند و یک پوست
بجول پاؤ انار کا بچهل چار دام جوک بنموده شب آب تر کرد و صبح جوشانده اول پارچه را بچشمگیری
و دو دام داده رنگ نماید و یکدام کسب در میان رنگ آخته باز غوطه دهند رنگ طوسی اول خواهد شد
و یک اول صند مازوی کلان آورده باریک سائیده را آبی که لایق شوب پارچه بود حل کرده
یک تمعان قیاز رنگ دهد و پارچه را خشک کنند و آب مازو را دور کنند آب یک در آورده کرده و کشت
از آن خوره چهارم حقه و آب مذکور انداخته رنگ بد فاختی خواهد شد پارچه را خشک کرده سه پاؤ
پوست جبریز را کرده خوب باریک نموده در آب خوب جوش دهد هرگاه رنگ ازو بپیر و ن آید باز رنگ
خوب طوسی خواهد شد بعد مایه دهد و یک بار است مازو آورده باریک سائیده در آب میاز آینه شوب
پس آن آب را دور کرده در آب دیگر اندک کشت و در آب انداخته با دست کشت آب را مخلوط نموده
رنگ دهد و پارچه را خشک کند که روی یک مژمی آورده در آب دیگر سائیده دست صاف کرده باز
رنگ بد خشک کنند و ترنگ را دور و آبک بوزن کوژی و کت بوزن یک نیم فلوس کت را سائیده
در اندک آب تر کرده نگه دارد و بعد از آن آنرا خوب سائیده در آب بسیار مخلوط کرده صاف نموده آبک
با کت مخلوط نموده تا یک گهری نخیه در آفتاب بکشد دست برجم زند باز رنگ بد باز آب دور کرده
در نیمه ازین باید و هر طوسی شود و یک طوسی **کلی البسرخ خوشنما پنجمه** از حافظه ذرا بختیار یک
خوجی سلم الله تعالی محیط نیم پاؤ برگ خانی نیم پاؤ هلیله زرد نیم پاؤ آمله خشک نیم پاؤ قند سیاه نیم پاؤ
اول محیط در یک خارا کوفته شب در آب شش سیر تر داشته در ظرف گلی صبح چند جوش دهد صاف کرد
نگاه دارد پس هلیله زرد و زرد و چوب باریک سائیده در آب بسیار انداخته بنوعی رنگ کند که در داغ بر پارچه افتد
پس بیشتر و بیشتر و در سایه خشک نماید و قند سیاه و آمله را در ظرف آینهی در اندک آب نخته با قیاب
هرگاه جوش نهد و سیاه شود در رنگ محیط و خانه مذکور انداخته باز رنگ کند طوسی خوشنما شود برای پارچه بخت

فصل پنجم در بیان رنگ کاهی یعنی سبز اول نین ای یک بر در صفای آبست نیم پال آورده سالی
 و پارچه او آب شود بعد ازین در ناسپال بوزن پنج یا شش فلوس بوقت شب غام آب تر کرده بکاشته
 صباغ صاف کرده رنگ بد بعد ازین رنگ سفید بوزن یک پال سائیده و آب یک پارچه را بدو بعد و دیگر آب
 مایه را بدو رنگ بد کاهی خواهد شد **مسئله و طریقی** وی است **اختلاف فی لبس الاخضر**
 فقیل کایلبس لاند من لباس الشیطان وقال بعضه لبس لاری الشی فی الله
 کان احب الالوان الی رسول الله صلی الله علیه و آله لبس الاخضر و ثیاب اهل الجنة خضر و لبس
 صلی الله علیه و سلم البدر الاخضر و ما قیل لاند من لباس الشیطان لایصح
 و دیگر رنگ سبز اول نین پارچه را رنگ کند بعد و حوضخانه زر و چوب غوطه دلوه خشک نماید و کار سیسکی
 کوفته جوش اده پارچه نیز نموده غوطه دهد خشک ساخته آب پیچگری بمالد که خوب سبز خواهد شد و دیگر زر و چوب
 بسیار بار یک سائیده قدری آب سبزی فرو آید و پارچه را ساعتی در بگذارد بعد و آب صابون بشوید بعد از آن
 درون ترش پیچگری سائیده در آن آید رنگ کند کاهی شود و دیگر پوست خج دخت کنار صحرای پاؤ آمار
 و آب یک تار پاؤ بالاشب تر نمود و صبح جوش بد پس صاف نموده کیس رنگ نه هیر کیس در آن حل نموده
 بقدر نیم اوم با مبراد و سه مرتبه غوطه دهد اگر کیس زیاده دهد رنگت زیاده شود و از لایه بی پرشاد صاحب روح
 فصل ششم در بیان رنگ مروین و دوازده و سه پارچه انیل آفند و ده که سزاوار رنگت مروین باشد
 بعد ازین زر و چوب بوزن شش فلوس سائیده بدو و پارچه را در آب صاف کند بعد ازین ناسپال بوزن پانزده
 جوش اده رنگ صاف کرده و در آب ناسپال رنگا دارد و بعد ازین اندک اندک آب کث بد بعد ازین آب
 همان ناسپال را که سفید بوزن دو پال سائیده مخلوط نموده باز رنگت بدو و همین آب مایه و دیگر مروین
 خواهد شد و دیگر یک طریق زمرودی فصل انبوه گذشته از انجا باید گرفت و دیگر برگ ملائم دخت لایه بی کوبل
 نیم پاؤ نیم آمار آب جوش بندست بار و هر بار رنگش غلیظ دارند اول رنگت ل شوب اده فشرده خشک کند
 باز بر رنگ دوم رنگ کرده فشرده خشک نماید باز بر رنگ سوم نه باشد پیچگری بار یک سائیده در آن آید
 شوب پارچه اخیره اده فشرده خشک نماید که سبز مروی خواهد شد **فصل هفتم در رنگ عاقل خانی**

یک چیره را تا سپال نیم بول آورده و جوش داده و سرکه و صاف کرده و رنگ در خشک کننده است
در دست بعد یک بخوره کثرت هم که چیز دیگر که رنگ نیم آورده و در بار خشک دست کند بعد رنگ
بوزن دو فلوئس خوب هر بعد و رنگ که نیم باشد بوزن هفت فلوئس شانزده و در نیم چیره و آب کوکب کرده
جوش داده رنگ گرفته باز جوش در آب کساری که شر باشد هر دو رنگ مخلوط کرده و نیم رنگ نکند
پس خشک شود و کرده باز نیم بقیه دیگر رنگ نکند هر بعد و همین آب یک بوزن یک کوئین است
شوب هر دیگر است و در نیم چیره را تا سپال پا و آثار داده خشک نموده آب کث یک بخوره بد بد
در چوب بوزن دو دام ساجیه و زاک سفید و زن چار دام در آب زرد چوب حل کرده رنگ کند خشک
بعد چوب ششم که خوب سرخ و شیرین باشد بوزن و آرد و ام جو کوکب کرده و وقت شب آب کساری خوب
جوشانده صاف کرده صبح رنگ هر باز چشکری بوزن دو فلوئس خوب ساجیه و آب مخلوط نموده رنگ
باز در و مایه مخلوط نموده باز در آن رنگ هر رنگ اعلی شود اگر کثرت زیاد و دیگر کثرتی گردد و اگر سیاه و در
چون تیره شود و در نه عاقل خانی بود **فصل ششم** در رنگ نافرمانی چیره ابرنگ زیر سپرده بگوید که این را
نافرمانی خواهم کرد این را آنقدر نخل بده که نافرمانی شود بعد از آن و چشک که نیم پا و آثار باشد رنگ
و در کسبه که گل محض است بگیرند و در آن چیره و در رنگ داده بعد در همانقدر شهاب بد و تر شابی
گیر می اند بوزن دو فلوئس آب تر کرده و نگا داشته باشد در همان آب رنگ انداخته باز رنگ نافرمانی خواهد
فصل نهم در رنگ گل آثار اول نیم پا و رنگ کسبه را که بعد از شهاب که رنگ دل باشد بگیرند
و یک چیره را بدهند بعد همانقدر شهاب هر بعد و همین آب شهاب در چوب بوزن یک دام یا دو دام هر
بعد ترشی گیر می اند و فلوئس که در آب تر کرده نگا داشته باشد بهین آب رنگ هر گل انار قسم اول شود
مسئله در مختار است و که لبس المعصفر المزعفر که حجره که صفر لال جال یعنی کرده است
پوشیدن رنگ کرده کسبه رنگ کرده زعفران سرخ باشد یا زرد و مردان از عفرانی هر دو قسم خود کرده است
و از قید مردان مضاف است که زن نازا کرده است **فصل دهم** در رنگ با دایمی اول گیر دوشین و مریخی
آورده نیم و در پیاز چرخ خشک کند بعد در طن و آرد و فریم بملولی آورده آنرا خشک نموده و در هاون گرفته

چنانچه آن بکیر و چنانچه آن بکیر کرده آب یک آنرا انداخته خوب جوش دهد هرگاه ده و سه جوش شوند
و طبعش که از شود رنگ آنرا گرفته نگاهدارد و آب یک سوسمی نگذارد و انداخته و آن آب نیم یک نیم
پارچه مارنگ بداند رنگ که آید و دیگر که نگاه داشتند و آنرا در همان رنگ بداد می شود و دیگر که کل پارچه مار
و دو تار از آب جوش بداده و در کوزه و ظرف گلی خواجه سسی قلعه دار نگاهدارد و اول پارچه مار یک حشر
رنگ خفیف کرده بعد و آب خالص شود بدین و غرق شده و کاغذی آبیور را در آب انداخته و در آن پارچه مار
پس آنرا شسته و خشک کند باز در رنگ گش پارچه مار شسته و ده و شش خشک کند که نهایت سه و باد می
خواهد شد **فصل** یازدهم در رنگ فانی برای یک تخان قباد و مازومی بزرگ که سبز باشد و طبع
و در آن نشده باشد و وزن بود و آنرا کوب کرده و در اندک آب تر کرده یک پاس نگاهدارد و بعد سائیده
و در آن قدری آب که پارچه در آن رنگ کرده شود و انداخته مخلوط نموده رنگ بداده و در همان آب چهار حشر
از آنجور که انداخته باز رنگ بداند فانی شود **فصل** دوازدهم در رنگ شب تخان قباد و وزن
شش فلوس ناسپال شش فلوس کاچیل گیس و سیاهی کاچیل و کدو و سرخی کاچیل و کدو و سرخی کاچیل
این هر سه را کوب کرده و آب نقد که پارچه رنگین شود و تر نموده تا سه روز نگاهدارد و بعد سه روز برایش
خوب جوش داده صاف کند و اول پارچه چشکری داده خشک کرده و در رنگ شش داده و صافی یک نیم جوش
و دیگر یک تخان ناسپال پا و آنرا در یک نیمه بود و در چهار فلوس هر دو را کوب نموده و در شب
آب بقدریک بدان پارچه رنگ کرده شود و در آن انداخته تر کرده نگاهدارد و صلیح جوش داده و رنگ را
صاف کرده نگاهدارد و اول چشکری بوزن و فلوس پارچه را داده خشک کند هرگاه که اندک نم پارچه باشد
و در رنگ صافی مذکور مصبوغ سازد که خوب خواهد شد **فصل** سیزدهم در رنگ و ده و پنج تنگ قدری شتر
در و انداخته و دو آتار آب جوش بداد و صاف کرده و چشکری داده و غوطه بداد و دیگر از زراحتا قطعه عبد القادر
خوب جوی سلاطه تعالی برای پارچه دو از ده گز باید که بیار و نیم که پنج شیرین بود و یک آنرا از زراعت زده کرده
شب و آب دو از ده آتار تر کند صلیح آتار بچو شانه چون نصف سه صاف کرده آن رنگ را نگاهدارد
باز در آن همانقدر آب شیرین انداخته بچو شانه چون نصف سه آنرا صاف کرده و غوطه بداد و نگاهدارد و اول پارچه را

به شکری سفید شش قل را ساییده آینه شده و آن پارچه را شوب به پیش فشرده قهوهی خشک نموده و به پاره های نو
 بار یک بهای نیمه وزن و آب که بقدر شوب بود آینه خور پارچه را تر کند و خوب بکشد به پیش فشرده خشک کرده
 شکری شش قل را ساییده و پارچه مذکوره در آن تر کند و فشرده خشک نماید بعد از رنگ و هم فشرده شوب به
 و فشرده خشک نماید باز در رنگ قل و هم شکری شش قل را ساییده آینه خور جامه تر کند و فشرده خشک نماید
 باز از زرد رنگ آن برای آینه خور باشد تر نماید و فشرده خشک نموده کند ی نماید فصل چهارم
 در رنگ نازکی شهاب یا وسیع زعفران نیم تولد و شهاب حل کرده رنگ نماید که نارنجی خواهد شد. قمر و
 رنگ نودی زعفران آمد و سرخی زردصال به سوز و شش است که رنگش همه گوناگون است چنانکه در خطاطی است
 الکراهة فلهذا هی مملو علی ارادة التشبه بالنساء والتکبر و تنسفه بانفسها
 نقول الایمة الثلاثة محل لبس الاحمر وهم ابوحنيفة ومالك والشافعي رحمهم الله تعالى
 لان النبی صلی الله علیه وسلم لبس الحلة الحمراء وناویا لها بذات الخطوط مر دو د
 والدلیل القطعی اثبات حله وهو قولنا نقول وازینست که عند کل مسجد لان ناموس
 ماخذ عام وحکم العام لجزاؤه علی عمومه فصل پنجم در بیان رنگ سرخ چنانکه در شش
 مجید به باو آمار لا که دانیم باو مهر و نیم یاوسه که دوام بدارد یکبار سه آمار آب جوش داده پارچه بپزند نموده
 رنگ به دیگر از آن نظر مزاجی الفضا بیک صاحب خوب عروسی است که سد تعالی برای پارچه و زوده در به بیار و یک آمار
 بقم شیرین آنرا گرفته ریزه ریزه نماید و در ده آمار آب شیرین جوش خفیف داده شنبه و شسته صیاح باز خوب
 به جوشانند که نصف آب بماند پس صاف نموده بدارد باز همانقدر آب بر آن انداخته به جوشانند چون منصف رس
 صاف کرده علاوه گیر و اول پارچه را در آب که در آن هلیله زرد و یک چشمانک سائیده آینه خور باشد تر نماید پس
 فشرده خشک کند بعد از آب به شکری سفید شش قل را ساییده و پارچه را در آن شوب به و فشرده خشک نماید
 بعد از رنگ و هم بقم را در پارچه رنگ و فشرده خشک کند باز در رنگ دل به شکری سفید شش قل را ساییده
 آینه خور بدست آن قدر بچینانند که گفت از او پس در آن پارچه را رنگ داده تا یک پاس تر و و فشرده خشک نماید
 باز از زرد و یک چشمانک یک سوزده و آب آینه خور مذکور را در آن رنگ به و دستهای بگذارد که خوب تر شود

بعد فشرده خشک نماید و بکنه می رساند که سرخ بکنه خواهد شد انشاء الله تعالی مسئل در مختار است
و فی المجتبى والقنسطا و شرح النقایة لابی الکرام کلاباس بلبس الثوب الکحل انتهی
ومفاده ان الکراهة تنزهية لكن صحیح فی الخفة بالحرمة فأودانها لحرمة و هو الحل
عند الاطلاق قاله المصنف و المشرب لالی فیها رسالة فیها ثمانية اقوال منها ان
فصل شانزدهم در بیان رنگ سرخ کا کر بر می چسبند پاؤ آمار و دودام هر فرمی از چوب کینک
جملا را یکجا نموده در یک تنوم آمار آب جوش داده صاف نموده رنگ کند **فصل هفدهم در رنگت سیاه** فی
پوست ببول پاؤ آمار و جویون بر پوست جگر بر می میخند و چسبند و دودام را در چار آب جوش داده و با چوب
رنگ **فصل هیجدهم در رنگ خوانی نخچه اول** پارچه را بچسبند و در رنگ سیاه بپزند و پوست بپزند
سکه عدو گرفته و از آب سائیده شیر و او گرفته پارچه را تر نماید و خشک سازد و بعد و چوب رنگ که قلم باشد
خوب جوشانیده پارچه بپزند نموده غوطه دهد **فصل نهم در رنگ صابری** رضی الله عنه پارچه را
بچسبند و در رنگ نموده و جوشانده بپزی ببول پارچه بپزند نموده غوطه دهد **فصل دهم در رنگ سیاهی**
جامه از دود چوب پاؤ آمار و او نیل یک فلس آلوده نیمه از آن سائیده پارچه را رنگند و در آن خشک
بر آن پارچه مالند اگر رنگ خوب نظر آید بهتر ورنه بقیه نیل که داشته است باز دود و رنگ بوزن یک نیم بول و آب نیل
مخلوط نموده رنگ هد بعد از بن ناسپال پاؤ آمار را جوش داده و رنگ صاف کرده در آن سفید بوزن یک نیم دم
در آب ناسپال مخلوط کرده رنگ هد خوب بپزنی شود و بیک نیل چار باشد و در آب سائیده اول پارچه را
در آن رنگ کند بعد ناسپال شش دودام را جوش داده و صاف نموده نگه دارد و بچسبند و در آب سائیده در آن
پارچه را شویب کرده فشرده خشک کند باز هلدی شش دودام را خوب سائیده در آب آمیزد و در آن پارچه را شویب
و فشرده خشک کند باز بچسبند و فشرده خشک کند بعد از رنگ ناسپال طویخ مذکور رنگدانه فشرده خشک کند العرض هر بار
که رنگ داده باشد فشرده خشک کرده باشد و دیگر اول پارچه را در زرد چوب رنگ هد بعد و در صابون
رنگ سازد و از آن بعد بعرق و در سکه لیموی کاغذی در آب آمیزد و شویب دهد و فشرده خشک کند که رنگ بکنه
پستی عمره خواهد شد **فصل بیستم در رنگ دهنه** که هر دو طرف و پشته رنگ یک باشد و بیاد و پشته ملل

که بسیار خشن باشد و از رنگ کهنه پس یک طرف او را کف دست چنان بکوبد که خوب سخت گردد و بشود خشک شود
 بر کف دست چنان بکوبد که از خشک شود و بر کف دست بکوبد که از خشک شود و بر کف دست بکوبد که از خشک شود
 به دست ناید و در یک طرف بکوبد و در طرف دیگر رنگ سبز باشد **فصل بیست و دوم در سرخ کردن**
 پارچه پیشی مثل لونی و دو شاله لاکه بپوشد و آب انداخته خوب بشوید و بکوبد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
 و آب بکوبد و آب انداخته خوب بشوید و بکوبد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
 چار و عدد در آن انداخته بپوشد تا یک ساعت پس بر آورد و به پیش و پشت و سر و تن بکوبد و بپوشد و بپوشد
 شوره قلی کن یک پیشکری سرخ کپیس تا بپوشد و نیم نیم با و جو کوب کرده و در ظرف گلی انداخته بالا نشین تل سوراخ کز
 نهاده و در سر پوش نیم سوراخ کرده بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
 از حافظه مرزا عبدالغفار یک صاحب خردجوی سلمه تعالی **فصل بیست و سوم در رنگ نیکو کردن**
 بهیچو مونک باشد و شش عد پارچه را در آبی که در آن پیشکری سفید و توله ساید آینه شده باشد شوب و دوشو
 و خشک کرده و آبی که در آن هیلد زرد و پنج توله ساید ه بار یک نموده باشد رنگ به بعد و فشرده خشک کرده
 باز در آب کور هیلد زرد کویس یک یک توله ساید در آن آینه شده باشد رنگ به بعد و فشرده خشک نموده باز رنگ
 در آب که در آن رد چوب ببار یک ساید آینه شده باشد پیش و پشت و سر و تن بکوبد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
 پوست تا نار نیم با و جو شانیده صاف گردد و باشد که مونگیا بپوشد رنگ خا بپوشد **فصل بیست و چهارم**
 در رنگ کردن چوبی ناسپال آمله یک یک پا و و ماز و و عدد و کته سیاه یک آثار و پیشکری یک را م اول اسپال
 و آمله را جوش داده صاف نموده پارچه را رنگ به خشک کند بعد آب باز و در باز خشک کند بعد رنگ کته سیاه
 و خشک کند پس در آب یک پیشکری ساید آینه شده باشد پارچه را شوب و دوشو و فشرده خشک نماید باید که هر مرتبه رنگ
 داده باشد فشرده خشک نموده یک داده باشد مسئل در مختار است که با سبب است که اول
 در لباس باقی رنگها که بآن رنگ کرده باشند سوای محصف و معفره نانی نیست که اگر آینه **فصل بیست و پنجم**
 در بیان رنگ فیروزه ای اول پارچه را در چونه سنگ بطور آهسته رنگ هر مگر خفیف باشد و طوطیا را ساید رنگ
 آن طیار سازند و بعد از آن رنگ علی محمد در آن پارچه را رنگ دهند خشک سازند و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد

رنگ خاکی و رنگ عود و خاویج و بعد و پیکری سالی و در آن شوی و بنده و افشرد و خشک کنی که رنگی خاکی شود و شاد

خاتمه الطبع احمد و المنة که رساله عجوبه فن فی معنی رنگ کردن نگارهای گوناگون است بیان حالت مرست
که تا این زمان تحریر نشده بتایخ بستم و فی مقدمه شایسته ای قدس مطبع نظامی آن گانه در مطبع گردید
فهرست ساله انوار الصبا شملین مشتمل بر سی و پنج فصل

۲	فصل در رنگ کردن پارچه سیاه و درخت	۳	فصل در بیان رنگ زرد کردن	۳	فصل در بیان رنگ نموده
۴	فصل در بیان رنگ طوسی	۴	فصل در بیان رنگ کاهی	۴	فصل در بیان رنگ زرد وین
۶	فصل در بیان رنگ عاقل خانی	۶	فصل در بیان رنگ نافه وانی	۶	فصل در بیان رنگ گل انار
۷	فصل در بیان رنگ بادامی	۸	فصل در بیان رنگ فامتنی	۸	فصل در بیان رنگ خوب
۸	فصل در بیان رنگ اوده پخته	۹	فصل در بیان رنگ نازکی	۹	فصل در بیان رنگ سرخ پخته
۱۰	فصل در بیان رنگ سرخ کارگری	۱۰	فصل در بیان رنگ چلانی شمشاد	۱۰	فصل در بیان رنگ بخارا
۱۰	فصل در بیان رنگ ساروی شمشاد	۱۰	فصل در بیان رنگ سبزی	۱۰	فصل در بیان رنگ دوزخ
۱۱	فصل در بیان رنگ کرم و پاره پاره	۱۱	در کتب تذکره آب	۱۱	فصل در بیان رنگ وودلیا
۱۱	فصل در بیان رنگ کرم و پاره	۱۱	فصل در بیان رنگ نیر وونی	۱۱	تتمت

استهوار این کتاب بهر بوقاف و نفع مردم و عیسوی اهل بی جسطری گوشت گردیده است و در آن اجازت عیاج
چه کسی قصد طبع نفع نماید

و چشم خاتمه برای نمایان کردن این ساله مطبع نظامی است مهر و دستخط مستقیم ثبت نموده شد

